

نسبت نسل جدید و گفتمان انقلاب اسلامی

در موضوع پیروزی انقلاب اسلامی واکاوی دو مسئله به ویژه برای جوانان امروز از اهمیت بسزایی برخوردار است. ابتدا اینکه چرا انقلاب اتفاق افتاد و دوم اینکه دلیل استمرار انقلابی حاکمیت جمهوری اسلامی را رقم زده، چه بوده است؟ در مسئله چرایی انقلاب، وقتی تاریخ را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم مردم در آن زمان انحراف حاکمیت از اهداف خود را که دینی بود، متوجه شدند. غایت اهداف مردم ایران با دین و دین محوری پیوند دارد؛ از این رو این انحراف حاکمیت از دین را نپذیرفتند و انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. مسئله دوم دلایل استمرار این انقلاب است که با امید به تحقق آلمان های انقلاب پیوند خورده است. این امید است که از ابتدای انقلاب هر توطئه ای را که دشمنان برای تضعیف انقلاب داشته اند، خنثی کرده است. مردم ما تحلیل خوبی ازگفتمان انقلاب دارند و همه مردم از افشار مختلف کلیت انقلاب را به دلیل مبنای دینی و دین محور بودن آن قبول دارند؛ زیرا اغلب مردم به دنبال عدالت هستند و با همین نگاه و با قوت، استمرار انقلاب را حفظ کرده اند. انقلاب اسلامی دستاورد های خوبی هم داشته است؛ از جمله این دستاوردها که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است، هویت بخشی به مردم و کشور ایران است. درگذشته ما مستعمره بودیم، امروز هویت ایرانی در جهان مطرح است. گفتمان ایران جایگاه ویژه ای در دنیا دارد. زمانی در جنگ جهانی دوم بدون هماهنگی با ایران، در خاک این کشور عملیات نظامی انجام می شد؛ با وجود اینکه ایران جزو طرفین این جنگ نبود. اما امروزه هیچ کسی بدون اجازه حق تجاوز و تعدی این خاک را ندارد. ایران چه در مجامع بین المللی و چه در مجامع مردمی هویت دارد. امروز در دنیا حضور و اثرگذاری ما به اندازه ای است که در مجامع بین المللی رأی و نظر ایران ارزشمند است. از دیگر دستاوردهای این انقلاب پیشرفت های علمی است که در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی محقق شده است. ما در اوایل انقلاب به دنبال سوادآموزی بودیم و امروز در مباحث علمی پیشرو هستیم. در قبل از انقلاب واردکننده ای قهار بودیم و امروزه در زمینه صادرات جایگاه ویژه ای پیدا کرده ایم. درگذشته فقط مواد اولیه صادر می‌کردیم و امروز محصول صادر می‌کنیم. واحدهای صنعتی ما هشش درخورتوجهی داشته است و همگی این موارد در کنار هم زمینه ساز امیدبخشی به مردم و استمرار در حفظ این انقلاب است. موضوع دیگری که از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نسل جدیدی است که با گفتمان انقلابی پیگیر مسائل است. امروزه حوزه های تحولی انقلاب در اختیار نسل جدید است. نسل جدید از قدیم هوشمندتر، مسلط تر و وابسته تر به گفتمان انقلاب است. از این رو در حوزه هایی که از گذشته تا امروز ممکن است پیشرفت خوبی نداشته باشیم، این نسل بروز و ظهور خوبی داشته است. این مسئله را هم نباید نادیده بگیریم که تلاش دشمن و تسلطی که بر تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی دارد، برای تخریب این انقلاب پرشتاب تر بوده است و हमه ای که به نسل جوان داشته، بیشتر است؛ اما بصیرت افزایی، توان فکری و تحلیل گفتمانی نسل جدید، موارد مهمی هستند که جوانان हमه های دشمن را تا امروز توانسته اند خنثی کنند.



مهدی کاروبی

شماره ۲۶
مهر ۱۳۹۷
شماره ۱۳۵۳

شماره ۱۳



شماره ۱۳



دکتر سیدضیاء... حقی از روزهای پرشور انقلاب ۱۳۵۷ مشهد و حضور پزشکان در کنار مردم می گوید



تکمیل کاویب

کشف و گوی روز

با وجود ۷۸ ساله بودن او، قرار گفت و گوی کوتا همان پشت در اتاق عمل است؛ یعنی هنوز دستانش برای بازگرداندن سلامتی به بیماران کار می کند و ذهنش درگیر جلسات آموزشی روزهای هفته است که هم نشین پزشکان جوان تر می شود. تخصصش جراحی قفسه سینه است؛ برای همین، بخشی از سال های ابتدایی کارش را به درمان شهروندان آسیب دیده در جریان اعتراضات سال ۱۳۵۷ و مجروحان جنگ تحمیلی پرداخته است. محل کار دکتر سیدضیاء... حقی از همان ابتدا بیمارستان قائم (عج) بود و حضور ۲۴ ساعته اش در آنجا بهانه خوبی بود تا دقیق بیکاری اش را راهی خیابان شود و در میان مردم شعارهای انقلابی سر بدهد. لحن شیرین کلام او هر شنونده ای را برای نشستن پای سخنانش جذب می کند، اگر چه فضا برای چاپ اندک باشد و زمان کوتاه.

ر ا دقیقاً یادم هست. از جایم بلند شدم و گفتم: ما پزشکان در هنگام فارغ التحصیلی قسم خورده ایم که هر انسانی به ما مراجعه کرد و بیمار بود، به نژاد، ملیت و مذهبش توجه نکنیم. ما به انسانیت قسم خورده ایم. قرآن می‌گوید هر کس جان انسانی را نجات بدهد، انگار جان همه انسان ها را نجات داده است.

صحبت های شما چه بازخوردی در پزشکان دیگر داشت؟

برخی پرخاش کردند و حتی عده ای به من ناسزا گفتند؛ یعنی درواقع استدلال مرا نپذیرفتند. وقتی از سالن بیرون آمدیم، برخی همکاران گفتند تو «حقی» هستی و حرف حق را گفتی، اما این جمع ظرفیت پذیرش آن را نداشت. می‌دانید آن زمان در میان مردم شور انقلابی حاکم بود و از طرفی، همه برای مجروحان و شهدا دل می‌سوزاندند. حق هم داشتند.

شما آن روزها را درک کردید. به جز برگزاری تجمعات و درمان بیماران، سهم پزشکان در حرکت های مردمی و پیروزی انقلاب چه بود؟

پزشکان هم کنار مردم بودند و همسراه آنان. همین طوری که در فروردین سال ۱۳۵۸ به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادیم، در شلوغی ها و اعتراضات به رژیم پهلوی هم شرکت کردیم. در مشهد تا آنجا که من به خاطر دارم، پزشکان با روپوش های سفید در ردیف اول راهپیمایی کنندگان حضور داشتند. ما هم در خیابان احمدآباد پلاکارد حمل می‌کردیم و شعارهای ضد شاه سرمی دادیم. بعضی ها می‌گفتند وقتی می‌دیدیم که اساتید دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی و پزشکان در ردیف جلو قیام ها حرکت می‌کنند، با خود می‌گفتم هیچ کس آن ها را نمی خواهد، پس شاه باید برود و انقلاب اسلامی پیروز شود.

در آن شلوغی های شهر مواردی را هم مشاهده کردید که اعتراض کنندگان برای فرار از نظامیان و پناه گرفتن وارد بیمارستان قائم^(عج) شوند؟

درهای بیمارستان روی همه باز بود، اما بیشتر تجمعات نزدیک بیمارستان امام رضا^(ع) و در خیابان های آن حوالی انجام می شد. اگر هم بوده است، من به خاطر ندارم یا ندیده ام، چون به طور مداوم در بخش و در حال جراحی بوده‌ام. بیمارستان ما بیشتر در حال درمان آسیب دیدگان حوادث بود.

خود شما چه وقت به تظاهرات پیوستید؟

اگر در اورژانس یا اتاق عمل نبودم، از هر فرصتی برای رفتن به خیابان و همراهی با مردم استفاده می‌کردم.

در روزهای انقلاب چندساله بودید؟

۳۳ ساله.

همان موقع بسیاری از مردم عادی وحتما پزشکان هنگامی که اوضاع کشور را آشفته دیدند، مهاجرت کردند. آیا به ذهن شما هم رسید که چنین کاری بکنید؟

ممنونم از سؤاال مهمی که پرسیدید. من وطنم را دوست دارم. می‌گویند، حب الوطن من الايمان. در دنیا افرادی که از کشور خود به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند خیلی کم اند. فکر نکنید فقط ما وطنمان را دوست داریم و از آن حرف می‌زنیم. حساب کنید چند نفر فرانسوی یا انگلیسی از کشور خود به مناطق دیگر مهاجرت کرده اند؟ هستند. اما اندک اند. ممکن است هر لحظه شرایطی پیش بیاید که فردا برخی جنبه ها ناراحت باشد و از کشور برود. خداوند کره زمین را خلق کرده. اما برای رفتن از این سوبه آن سو، برایش خط نکشیده است؛ این ها کار بشر است؛ بنابراین در واقع جهان، وطن بشر است. اما چون یک نفر در این خاک به دنیا آمده است، آن را دوست دارد. من



از شروع زندگی و دوران پزشکی خود بگویید.

من متولد سال ۱۳۲۴ در طیس هستم و ۷۸ سال از خدا عمر گرفته ام. ۵۳ سال است که پزشک شده‌ام و ۴۵ سال است که جراحی قفسه سینه (توراکس) انجام می‌دهم. از سال ۱۳۴۲ که دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد شدم، به جز دوران خدمت سربازی که دو سال در بشرویه پزشک عمومی بودم، از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۹ به پاریس و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ برای فرصت های مطالعاتی به یکبک کانادا رفتم و بقیه این سال ها را در مشهد کار و زندگی کردم. چهار فرزند دختر دارم و به خاطر داشتن آن ها و همه نعمت هایم هر لحظه سیاستگزار خداوند و به یاد او هستم.

دانشجوی درس خوانی بودید؟

اگر حمل بر تعریف نشود، بله.

چطور در جریان اتفاقات انقلاب قرار گرفتید؟

سه نعمت داریم که مشهود است و دیدنی: زنده بودن، سلامتی و امنیت. من همیشه درباره امنیت به دیگران می‌گویم اینجا افغانستان، لبنان، یمن، سوریه، فلسطین و اوکراین نیست. ما اینجا امنیت داریم. گاهی دیگران اعتراض می‌کنند که چرا ایران را با این کشورها مقایسه می‌کنی؟ یا چرا ما را با کشورهای حوزه اسکاندیناوی یا پیشرفته دنیا مقایسه نمی‌کنی؟ من هم پاسخ می‌دهم شما از سه جبری که بر زندگی ما حاکم است، غافل هستید؛ یکی جبر جغرافیایی که در این کشور متولد شده ایم؛ دوم جبر زمان که مثلا من در سال ۱۳۲۴ متولد شده‌ام و دیگری جبر والدین که هیچ کدام را نمی توانیم تغییر دهیم. با وجود جبرهایی که داریم باید بابت وجود امنیت شاکر باشیم؛ اینکه این امنیت را چطور به دست آورده ایم، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حرف بسیار است. من امنیت را مرمون

وقتی انصاف می‌میرد

نمی‌گویم مشکل نیست که خود می‌توانم در لحظه، فهرستی طولانی از مشکلات را ردیف کنم. نمی‌گویم نباید انتقاد کرد که خود فراوان قلم به انتقاد بر کاغذ می‌برم؛ نمی‌گویم ما، نسل انقلاب، به‌دکار نیستیم که خود را در شمار بدهکاران به انقلاب و مردم و به ویژه نسل نومی دانم؛ نمی‌گویم نباید نق زده که یاد می‌آورم شهید رجایی «جلسه نق» برگزار می‌کرد. فقط می‌گویم باید راه رفته را هم دید. کارهای انجام شده را هم فهرست کرد، روزهای تلخ نداری و دیده نشدن را هم به حساب آورد و انصاف و همه جانبه دیدن را شرط اخلاق و انسانیت می‌دانم.

گاه دلخوری می‌شوم از چشم‌های بسته و دهان‌های باز که دیروز را یادشان رفته است و نه امروز؛ که حتی برای فردا هم حسرت دیروز را می‌خورند. دلخوریم بیشتر می‌شود از کسانی که خود شلاق بی‌توجهی را دیروز خورده‌اند، اما امروز یادشان رفته است. همین روز‌های دهه فجر بود که بنده خدایی که اهل کلاس و درس و گنج و تخته بود از گذشته می‌گفت. آن هم از زبان دیگری. می‌گفت فلانی دلخوری از خانواده ما داشت، به در ازای چند سال، دلیلش را که پرسیدم، گفت: قدیم‌ها -قبل انقلاب- نان برای خوردن نداشتیم، برای یک وعده غذا، یک روز کار می‌کردیم. یک روز پدر شما کار داشت و چند نفر را خیر کرده بود، اما به من چیزی نگفت. دیدم گرسنگی عذابم می‌دهد. به امید شام، بیلم را برداشتم و رفتم سر کار. نگفتند چرا آمدی. خوب هم کار کردم. خیلی بیشتر از آن‌هایی که دعوت به‌کار شده بودند. شب که خانه شما سر سفره نشستم، مادران که خبر نداشت، آهسته به پدرتان گفت: فلانی چرا آمده است؟ پدرتان هم آهسته‌گفت که او هم کار کرده است. حرف دیگری نشد. من هم غذا خوردم، مثل بقیه. اما همان سؤال «فلانی چرا آمده؟» چند سال است که اذیتم می‌کند. حالا اما وضمان خوب است و با پول دست‌هایمان را خشک می‌کنیم ولی آن خاطره هنوز اذیت می‌کند. او این را گفت. اما نگفت که این وضع نور آمدیون انقلاب است. نگفت به خاطر کمک‌های دولتی بعد انقلاب به اینجا رسیده است. وضعیتی دارد که حتی خشک سالی بیست ساله هم سفره اش را از رونق نمی‌اندازد. خیلی‌های دیگر هم همین وضعیت را داشتند ولی به برکت انقلاب، امروز روزگارشان خوب است، اما این همه خوبی را نمی‌بینند. زبانشان به بیان نداشته‌هایی مشغول است که در کشور‌های توسعه‌یافته هم برای همه فراهم نیست.

نمی‌گویم نباید نگاه به آینده بهتر داشت که این پیش‌نیاز پیشرفت است، اما می‌گویم یا به اندازه آرزوها باید تلاش کرد، یا به اندازه تلاش خویش باید توقع داشت. اینکه همه چیز را طلبکارانه به حساب بدهی انقلاب بگذاریم، عین بی‌انصافی است، عین کفر است، کفری که می‌تواند نعمت را از کف ببرد و نعمت را جای آن بگذارد.

درمان سرطان باید رایگان باشد

وزیر بهداشت بابیان اینکه درمان سرطان باید رایگان باشد و مردم دچار هزینه نشوند، به برنامه ریزی برای ساخت «مگاهاسپیتال» در مناطق مختلف کشور اشاره کرد و گفت: به دنبال این هستیم که در استان‌های بزرگ، کلان بیمارستان‌ها را ایجاد کنیم.

به گزارش ایسنا، بهرام عین‌اللهی اظهار کرد: یکی از مسائلی که مردم درگیر آن‌اند، سرطان است و باید به‌کسی که درگیر این بیماری می‌شود، از نظر هزینه‌ها و ازکار افتادن وی توجه ویژه‌ای شود.

او ادامه داد: سرطان را بیماری‌های خاص تلقی می‌کنیم و برنامه ما این است که آن قدر امکانات پیشرفته شوند تا خدمات را به صورت رایگان به این بیماران ارائه دهیم.